

سنجش فقر شهری و ارتباط آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین*

اسفندیار زبردست^{۱*}، راضیه رمضانی^۲

^۱ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۲/۲۲)

چکیده

به منظور دستیابی به هدف اصلی مطالعه حاضر مبنی بر شناسایی رابطه میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین، رویکرد فقر قابلیت‌ی و شاخص فقر چندبعدی، مدل حداقل فاصله برای اندازه‌گیری دسترسی به خدمات و محاسبات فاصله براساس خط مستقیم یا روش اقلیدسی مدنظر قرار گرفتند. برای تبیین چگونگی پراکنش فقر در شهر قزوین، شاخص‌های فقر شهری (۲۳ شاخص) از متون نظری و تجربی مرتبط استخراج شده و پس از انجام تحلیل عاملی، در سه عامل جمعیت وابسته، محرومیت اجتماعی و محرومیت مسکن و محرومیت درآمدی خلاصه و در محیط GIS ترسیم گردیدند. نتایج حاکی از تمرکز فقر شهری در بخش‌های جنوب و جنوب غربی شهر است. از طرف دیگر بررسی‌های صورت گرفته در دسترسی به خدمات شهری از طریق روش‌های عینی و ذهنی (استفاده از پرسشنامه) و استفاده از تحلیل عاملی، نشان‌دهنده ضعف برخی از خدمات شهری در سرویس دهی به ساکنین (بویژه در پهنه‌های فقیر) می‌باشد. در نهایت با بکارگیری رگرسیون خطی، یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده وجود رابطه نسبی معنی‌داری بین فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری است، به طوری که شاخص فقر شهری با دو عامل خدمات پایه مسکن و خدمات سطح برزن همبستگی داشته و رابطه معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی

فقر شهری، ترسیم فقر، دسترسی به خدمات شهری، شهر قزوین، تحلیل عاملی، رگرسیون خطی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان "سنجش فقر شهری و رابطه آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین" بوده که به راهنمایی نگارنده اول در دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران انجام شده است.
^۱ نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۱، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۶۲۸، E-mail: zebardst@ut.ac.ir.

مقدمه

مقابل فقر درآمدی مطرح شده است. به بیان دیگر فقر یک پدیده چند بعدی، شامل جوانب اقتصادی، اجتماعی، و دیگر جوانب رفاه انسانی است.

با در نظر داشتن تغییرات ایجاد شده در تعاریف فقر و افزایش تمرکز بر برخورداری افراد از خدمات عمومی به عنوان نیازهای افراد به جای نگاه تک بعدی به فقر از جنبه درآمدی در کشورهای توسعه یافته، این مطالعه سعی بر بررسی رابطه میان فقر شهری و دسترسی به خدمات عمومی در شهر دارد. در واقع با وجود توجه فزاینده جهانی به فقر شهری تاکنون، نگرش‌های کاهش فقر شهری به ندرت بر مداخلات توسط شهرداری‌ها و به معنای دیگر برنامه‌ریزان شهری و با دید شهرسازی مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه در پی تمرکز بر این بعد از ابعاد چندگانه فقر شهری در نگرش‌های جدید است. زیرا به تعبیری میزان دسترسی به خدمات شهری در تعریف فقیر بودن یا نبودن یک ناحیه نقشی مهم ایفا می‌نماید. در این مقاله تلاش بر این بوده تا با بررسی و ترسیم فقر شهری در شهر منتخب قزوین، و از طرف دیگر بررسی وضعیت چگونگی دسترسی به خدمات شهری در حوزه‌های شهری، به این نکته که آیا در شرایط شهرهای کشور ما نیز رابطه‌ای مشخص میان میزان دسترسی به خدمات شهری و فقر وجود دارد یا نه، دست یابد؛ تلاشی که بی‌تردید خالی از ضعف و نقصان نیست اما شاید بتواند قدم اندکی در دلایل فقر شهری و چگونگی کاهش آن بردارد.

در دهه‌های اخیر، شهرنشینی و رشد شهری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است. در سال ۱۹۷۰، ۳۷ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کرده‌اند. در ۱۹۹۵، این رقم ۴۵ درصد بوده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ این رقم فراتر از ۵۰ درصد باشد (Masika, 1997, 2). در ربع انتهایی قرن ۲۰ام، رشد سریع جمعیت در حدود ۱/۲ میلیارد نفر را به جمعیت شهرهای جهان سوم اضافه کرده است و از میان کلان‌شهرهای دنیا در قرن ۲۱، تعداد زیادی در کشورهای جنوب قرار دارند (UN, 1995, 3). همراه با این فرایند سریع شهرنشینی، فقر نیز به سرعت در حال شهری شدن می‌باشد. بنابراین کاهش فقر شهری یکی از مهم‌ترین مسائل قابل توجه در مقیاس جهانی خواهد بود. در این میان، در دهه ۱۹۶۰ این ایده که رشد اقتصادی به طور کارآمدی نیازها و نگرانی‌های گروه‌های فقیر را مورد مخاطب قرار نمی‌دهد، مسیری را برای ورود "نگرش نیازهای اولیه" فراهم کرد. نقطه شروع این نگرش به این مسئله اشاره دارد که اولویت باید بر ارضای نیازهای اساسی افراد برای غذا، آب، مسکن و ... به جای تمرکز بر شاخص‌های رشد اقتصادی قرار داده شود و در واقع بسیاری از جوانب رفاه بوسیله شاخص‌های برپایه درآمد یا مصرف توضیح داده نمی‌شوند. از این دیدگاه، ملاک تشخیص فقر، دستیابی به کارکردهایی در زندگی است که برای هر فردی مطلوب و ارزشمند است. مجموع این کارکردها، قابلیت‌های افراد را تشکیل می‌دهد. این مفهوم فقر قابلیت‌هایی است که در

۱- مروری مختصر بر متون نظری و تجربی مرتبط

ادبیات مرتبط با موضوع مورد بررسی در این مقاله به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد. موضوع این تحقیق در درجه نخست با مبانی مرتبط با فقر شهری و روش‌های ترسیم آن مرتبط می‌گردد و در وهله دوم با ادبیات مرتبط با خدمات شهری و دسترسی به این خدمات پیوند می‌یابد.

۱-۱- فقر شهری و شیوه‌های ترسیم آن

ارائه تعریفی از فقر، علی‌رغم درک نسبتاً ملموسی که دارد، آسان نیست؛ چرا که فقر مقوله‌ای چند بعدی است. بر همین مبنا، بین فقر مطلق و فقر نسبی، فقر شهری و فقر روستایی، فقر اقتصادی، معیشتی و فقر اجتماعی فرهنگی، فقر درآمدی و فقر قابلیت‌ها و ... تمایز و تفاوت قائل می‌شوند.

دیدگاه کلاسیک عمدتاً فقر را بر مبنای "کافی نبودن درآمد" فرد یا خانوار بررسی و تحلیل می‌کند. تعیین خط فقر از این دیدگاه ناشی شده است که بر اساس آن یک حداقلی از میزان درآمد برای تأمین نیازهای معیشتی فرد و خانوار مشخص می‌شود. سپس با توجه به محاسبه خط فقر، خانوارهایی که کل درآمدشان از

آن کمتر باشد، فقیر محسوب می‌شوند. با توجه به نقاط ضعف این رویکرد در ارائه تصویر جامعی از فقر و ابعاد آن، آمارتیا سن، برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۹۸، رویکرد قابلیت‌ها را در تعریف فقر بیان کرد. در این تعریف فقر به معنای محرومیت از قابلیت در نظر گرفته می‌شود (آمارتیا سن، ۱۳۸۲، ۲۱-۲۶). از این دیدگاه، ملاک تشخیص فقر، دستیابی به کارکردهایی در زندگی است که برای هر فردی مطلوب و ارزشمند است؛ مانند: تغذیه کافی، برخورداری از خدمات بهداشتی، دسترسی به آموزش و پرورش، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و ... مجموع این کارکردها، قابلیت‌های افراد را تشکیل می‌دهد (Sen, 1981, 24). برای مثال، فرد با درآمد بالا، اما محروم از مشارکت‌های سیاسی، در حالت معمولی فقیر محسوب نمی‌شود، در حالی که بر حسب یک نوع آزادی مهم، آشکارا فقیر است.

رتن، جمع‌بندی مناسبی از انواع دیدگاه‌هایی که به تعریف فقر وجود دارد ارائه داده است. او سه دسته کلی از تعاریف فقر را به صورت تعریف اقتصادی، تعریف مشارکتی و فقر قابلیت‌ها ارائه داده است (Wratten, 1995: 12-15 & 27). همانگونه که ذکر

مانند جنبه‌های فیزیکی، ذهنی، اقتصادی و مالی وابسته به طبیعت کاربری زمین و حمل و نقل مورد نظر را در بر می‌گیرد. همچنین قابلیت دسترسی در میان افراد مختلف در زمان‌های مختلف متفاوت است (Lotfi & Koohsari, 2009, 420-421). پنچانسکی و توماس^۴، دسترسی را به مجموعه‌ای از ابعاد تقسیم می‌کنند: قابل دستیابی بودن، در دسترس بودن، مکان، قابل استطاعت بودن و قابل پذیرش بودن. ایدی و اندرسون^۵ نیز تعاریف گسترده‌تری از دسترسی را در نظر می‌گیرند که فراتر از دسترسی فضایی یا جغرافیایی است. برای مثال اثرات مالی، اطلاعاتی و رفتاری (به نقل از Higgs, 2005, 121-123).

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که به منظور ارزیابی قابلیت دسترسی مجموعه‌ای از خدمات برای جمعیت مورد نظر، ابتدا باید نگرش‌های متفاوت به اندازه‌گیری قابلیت دسترسی در نظر گرفته شوند و همچنین نوع فاصله استفاده شده برای محاسبه شاخص‌های قابلیت دسترسی منتخب، تعیین شوند. این نگرش‌ها در جدول ۱ خلاصه شده‌اند.

به طور کلی چهار نوع فاصله را می‌توان برای محاسبه شاخص‌های قابلیت دسترسی انتخاب کرد. فاصله اقلیدسی^۶ (خط مستقیم)، فاصله منتهن^۷ (فاصله دو ضلع یک مثلث قائم‌الزاویه، پایه هر یک فاصله اقلیدسی است)، کوتاه‌ترین فاصله شبکه^۸ و کوتاه‌ترین زمان شبکه (Apparicio, 2006, 195-196; Talen, 2003, 184).

در این قسمت، به مطالعات تجربی مرتبط اشاره می‌شود. در سال ۲۰۰۹، مطالعه‌ای تحت عنوان تکنیکی برای تحلیل فقر در نواحی کوچک توسط دلااسپرلا در شهر لیبریا در کاستاریکا، صورت گرفت. در این مطالعه از روش نیازهای پایه برآورده نشده^۹ (UBN) برای تعیین اینکه مکان مورد نظر سهمی بالا، متوسط یا کمی از خانوارهای فقیر را دارد، استفاده شده است. ابتدا، چهار بعد از فقر (مسکن، آب و فاضلاب، آموزش و پرورش و هزینه) برای هر ناحیه محاسبه شده‌اند. سپس سه درجه از فقر برای هر بعد فقر تنظیم شده است و توزیع محدوده آن در نقشه‌های فقر نشان داده شده است. سرانجام چهار بعد مذکور فقر شهری در یک شاخص فقر کلی (TP) از روش روی هم اندازی لایه‌ها در GIS ترکیب شده‌اند و توزیع فضایی آنها در یک نقشه فقر نشان داده شده است (De La Espriella, 2009, 2410-2413).

در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۷ توسط Baud و همکاران در هند انجام شده است، با بکارگیری "چارچوب سرمایه معیشت"^{۱۰} به تصویرسازی فقر شهری پرداخته است تا با ایجاد یک شاخص جدید از محرومیت چندگانه بتوانند به تعیین اثرات هدفگذاری بخشی یا ناحیه‌ای توسط سیاست‌سازان بپردازند. در این مطالعه چهار نوع مختلف سرمایه / محرومیت سرمایه رایج در نگرش‌های معیشتی شهری، استفاده شده‌اند. سرمایه اجتماعی (شامل شاخص تبعیض اجتماعی)، سرمایه مالی (شامل شاخص اشتغال و تحصیلات)، سرمایه مالی (شامل شاخص وضعیت مالی و دارایی‌های خانوار) و سرمایه فیزیکی (شامل داشتن آب آشامیدنی سالم، فاضلاب، برق و شاخص

شد، فقر شهری یک پدیده چند بعدی^{۱۱} است و عوامل متعددی را علاوه بر شاخص‌های استاندارد سطح درآمد و سرانه تولید ناخالص داخلی^{۱۲} (GDP) شامل می‌گردد. بانک جهانی به پنج بعد فقر اشاره می‌کند: فقر درآمدی، فقر بهداشت، فقر تعلیم و تربیت، ناامنی در تصرف مسکن و ناامنی شخصی و ناتوانی^{۱۳} (World Bank, 2010, 2). هریک از این ابعاد، شاخص‌هایی را در بر می‌گیرند. با استخراج این شاخص‌ها می‌توان به ترسیم نقشه فقر پرداخت. نقشه فقر اساساً یک نیم‌رخ جغرافیایی از فقر است که نشان می‌دهد که در کدام بخش‌های یک کشور فقر وجود دارد (Hentschel et al., 1998, 147). اینچنین نقشه‌هایی می‌توانند نقش مهمی در هدایت چگونگی اختصاص سرمایه‌های عمومی برای کاهش فقر داشته باشند (Coudouel, et. al, 2002, 412). از طرف دیگر فرایند ترسیم فقر شامل مراحل است که به صورت مختصر عبارتند از: تعریف هدف و استفاده مورد انتظار از ترسیم، انتخاب شاخص‌های فقر و رفاه انسانی (Baker and Schuler, 2004, 48-56)، (Baharoglu and Kessides, 2002, 130-138)، (Coudouel, et. al, 2002, 410-415) و (World Bank, 2011, 21)، انتخاب داده‌های اولیه، روش‌های نقشه‌سازی فقر (Davis, 2003, 5-25) و (Henninger & Snel, 2002, 2-3&7-13)، انتخاب روشی برای محاسبه، برآورد، یا نمایش شاخص فقر برای ناحیه جغرافیایی، تصمیم‌گیری برای شمار واحد‌ها برای نقشه نهایی (تجزیه) برای ارائه داده‌های فقر، تولید و توزیع نقشه‌ها، نظارت مصرف و بازخورد.

۱-۲- دسترسی به خدمات شهری

قابلیت دسترسی، یک مفهوم رایج است اما در مورد تعریف آن اجماعی وجود ندارد. قابلیت دسترسی به دستیابی آسان به ساختمان‌ها یا امکانات یا کالا و خدمات توسط مردم برمی‌گردد. بنابراین می‌تواند اندازه‌گیری فرصت نسبی برای تعامل یا برقراری ارتباط با یک پدیده مثلاً پارک بیان شود. قابلیت دسترسی معمولاً به عنوان سهولتی که بوسیله آن می‌توان به فعالیت‌ها از نقطه معینی و بوسیله سیستم حمل و نقل معینی دست یافت، تعریف می‌گردد. مفهوم قابلیت دسترسی جوانب گوناگونی

جدول ۱- نگرش‌های مختلف نحوه محاسبه شاخص‌های اندازه‌گیری دسترسی.

نگرش	تعریف
کانتینر ^۶	شمار امکانات در یک ناحیه داده شده
پوشش ^۷	شمار امکانات در یک فاصله داده شده از یک نقطه از مبدا
حداقل فاصله	فاصله میان یک نقطه از مبدا و نزدیک‌ترین امکانات
هزینه سفر	فاصله میانگین میان یک نقطه از مبدا و تمامی امکانات
جاذبه	در مدل جاذبه، که احتمالاً گسترده‌ترین مدل تعامل فضایی می‌باشد، تعامل میان مکان‌ها بوسیله اثرات اصطکاکی فاصله، مانند تعامل میان اجسام در فیزیک نیوتن، وزن داده می‌شود.

ماخذ: (Talen, 1998, 25-27; Talen & Anselin, 1998, 598-599; Higgs, 2005, 123)

افراد فقیر اغلب به طور سیستماتیک از فرصت‌ها، اشتغال، امنیت، ظرفیت و قدرت محروم می‌شوند. این امر آنها را از کنترل بهتر زندگی‌شان ناتوان می‌سازد. در گزارش "اهداف توسعه هزاره"^{۱۴} که بر بهبود زندگی ساکنین نواحی فقیر تمرکز کرده، آمده است: بخش اعظم فقر شهری ناشی از محرومیت از زیرساخت‌ها و خدمات است. افراد فقیر از ویژگی‌های زندگی شهری که انحصار برای اقلیت مرفه است - شامل توان بیان مسائل سیاسی، مسکن امن و با کیفیت، امنیت و اجرای قانون، تحصیلات، خدمات بهداشتی، حمل و نقل کارا و مطلوب، درآمد کافی، دسترسی به خدمات و کالاهای اعتبار - و به بیان ساده ویژگی‌های شهروندی، محروم می‌گردند (Mercado et al., 2007, 7-8).

شواهد نشان می‌دهند که چالش‌های معمول در دسترسی به خدمات شهری قابل استطاعت مربوط به تامین مالی، ظرفیت محدود، کمبود داده، کمبود سیاست‌های یکپارچه، و مسائل حکومت، شامل سطح بالای فساد مالی در ارائه خدمات پایه، می‌باشند.

۲- شناخت عرصه مطالعه

شناخت و مطالعه بستر طرح، در واقع گام اول مطالعات، برنامه‌ریزی و هرگونه مداخله در سطح فضا خواهد بود. بر این اساس در این مطالعه پس از نگاهی اجمالی به ویژگی‌های عام شهر قزوین (از قبیل موقعیت، جمعیت، ساختار کالبدی-فضایی، نظام کاربری اراضی و ...) و همچنین شاخص‌های مرتبط با فقر شهری (از قبیل وضعیت سواد، بهداشت، مسکن، دسترسی به خدمات رفاهی و ...)، نتایج سه مطالعه انجام شده مرتبط با فقر شهری مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا بتوان در صورت امکان، از یافته‌های مطالعات مذکور، بهره گرفت. این مطالعات شامل مطالعات فقر شهری در طرح CDS اول شهر قزوین در سال ۱۳۸۷، طرح CDS دوم شهر قزوین در سال ۱۳۸۸ و طرح توانمندسازی سکونتگاه‌های فرودست و حاشیه‌نشین در سال ۱۳۸۷ می‌باشند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، در یک تقسیم‌بندی، شهر قزوین از چهار نوع بافت مختلف تشکیل شده که شامل بافت سنتی، بافت متعارف، بافت نوگرا و بافت حاشیه‌ای می‌باشد. بافت فرسوده که اغلب با فقر شهری مرتبط است در بخشی از بافت سنتی و بافت حاشیه‌ای قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج بدست آمده از مطالعات CDS شهر قزوین در شاخص‌های تعریف‌کننده فقر نشان‌دهنده افزایش فقر شهری در مناطق جنوبی و غربی شهر قزوین بوده است که شامل محلاتی مانند میدان میوه و تره‌بار، سلامگاه، مغلاوک، محدوده راه آهن و هادی آباد می‌باشد. از طرف دیگر، میزان دسترسی به خدمات آموزشی در کل شهر قزوین، خوب، خدمات بهداشتی - درمانی و تجاری و تجهیزات شهری متوسط و دسترسی به خدمات فرهنگی و ورزشی و تفریحی ضعیف ارزیابی شده است که می‌تواند ناشی از تعداد این فضاها و چگونگی توزیع آنها در شهر قزوین باشد.

تعداد زیاد جمعیت در واحد مسکونی، در نهایت ترکیب چهار محرومیت سرمایه‌ای ذکر شده، شاخص محرومیت چندگانه را ساخته‌اند. بدین ترتیب که با استخراج جدول شاخص‌ها از داده‌های سرشماری و اتصال آنها به نقشه مناطق، نقشه توزیع هرکدام از شاخص‌ها ایجاد و از طریق روی هم‌گذاری لایه‌های GIS، نقشه شاخص محرومیت چندگانه ترسیم گردیده است. در واقع این مطالعه تصویرسازی تمرکز فضایی فقر، تنوع فقر در مناطق شهر، تمرکز فقر در زاغه‌ها را با بکارگیری داده‌های سرشماری و از طریق تحلیل چندمعیاری با بکارگیری GIS و مدل ILWIS انجام می‌دهد (Baud et al., 2008, 1394-1397).

در زمینه مطالعات داخل کشور، در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۸۸ در زمینه ترسیم فقر شهری^{۱۵} در کشور صورت گرفته، فقر شهری در شهر شاهرود با استفاده از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ ترسیم شده است. در این مطالعه هشت شاخص (از قبیل بعد خانوار، درصد جمعیت بی‌سواد، درصد افراد بیکار و ...) به عنوان شاخص‌های فقر به کار رفته‌اند. در این مطالعه، از روش تحلیل عاملی به منظور تحلیل این شاخص‌ها استفاده شده و در نهایت سه عامل محرومیت در سرمایه نیروی انسانی، محرومیت مالی و محرومیت اشتغال و مسکن که از تحلیل عاملی استخراج شده‌اند، ترکیب و شاخص IMD را تشکیل داده‌اند که در یک نقشه ترسیم شده‌اند (Physical Plan - ning Research Center, 2009, 83).

در زمینه دسترسی به خدمات، مطالعه‌ای با عنوان "محلات به عنوان خدمات‌دهندگان: روشی برای اندازه‌گیری دسترسی پیاده" در سال ۲۰۰۳ در شهر پرتلند، توسط امیلی تلن انجام شده است. در این مطالعه، در اختیار داشتن خدمات برحسب داشتن دسترسی و یا نزدیک بودن فاصله میان ساکنین و خدمات، تعریف شده و از آنجایی که دسترسی در سطح محله مطرح است، دسترسی به خدمات پارک، مدرسه و مغازه بر پایه حرکت پیاده به جای اتومبیل با بکارگیری روش حداقل فاصله و بلوک منهتن، اندازه‌گیری و به تفکیک در نقشه‌های جداگانه نمایش داده شده‌اند. از طرف دیگر برحسب شاخص‌های درصد جمعیت زیر ۱۸ سال، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال، درآمد متوسط خانوار، درصد خانه‌های اشغال شده که وسیله نقلیه ندارند، نیازهای جمعیت محله نیز در نظر گرفته شده و ترسیم شده‌اند. در نهایت با ترکیب شاخص نیاز محلی و دسترسی به خدمات در سطح محلی، نقشه محلات با نیاز بالا و دسترسی کم به خدمات ترسیم شده است.

۱-۳- ارتباط بین فقر و دسترسی به خدمات

از مهم‌ترین عوامل در برنامه‌ریزی شهری، استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کامل‌تر، عدالت فضایی است. در این راستا، کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند و به کاهش فقر بیانجامد.

۳- روش‌شناسی مطالعه

۳-۱- ترسیم فقر شهری

به منظور تعیین فقر شهری و توزیع آن در سطح شهر قزوین، از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ برای استخراج شاخص‌های فقر شهری استفاده گردیده است. استخراج شاخص‌های فقر شهری با در نظر گرفتن دو اصل صورت گرفته است. اصل اول رجوع به ادبیات فقر شهری و مطالعه شاخص‌های بکاررفته در مطالعات مشابه و اصل دوم، در نظر داشتن محدودیت داده‌های در اختیار است. در نهایت دو نوع شاخص استخراج شدند. اول شاخص‌هایی که مستقیماً از فیلدهای جدول سرشماری بدست آمده‌اند و دیگری، شاخص‌های ترکیبی هستند که از ترکیب شاخص‌های نوع قبلی محاسبه شده‌اند. این شاخص‌ها ماتریسی بزرگ شامل ۲۳

جدول ۲- شاخص‌های منتخب برای اندازه‌گیری و ترسیم نقشه فقر در شهر قزوین.

شماره	شاخص	مطالعه
۱	تراکم جمعیتی	UN, 2003; Baud et al., 2008 Woldemariam and Limia, 2003
۲	درصد جمعیت کمتر از ۶ سال	زبردست، ۱۳۹۳
۳	درصد جمعیت بالای ۶۵ سال	زبردست، ۱۳۹۳
۴	درصد جمعیت مرد بی سواد	De La Espriella, 2009; Baharaoglu and Kessides, 2002; Moser et al., 1996; Baud et al., 2008
۵	درصد جمعیت زن بی سواد	De La Espriella, 2009; Baharaoglu and Kessides, 2002; Moser et al., 1996; Baud et al., 2008
۶	درصد جمعیت بی سواد کل	De La Espriella, 2009; Baharaoglu and Kessides, 2002; Moser et al., 1996; Baud et al., 2008
۷	درصد جمعیت افراد بی‌همسر که بر اثر فوت یا طلاق همسر خود را از دست داده‌اند	Baharaoglu and Kessides, 2002
۸	درصد واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۵۰ متر	Moser et al., 1996
۹	درصد واحدهای مسکونی با مساحت ۵۰ تا ۷۵ متر	Moser et al., 1996
۱۰	درصد جمعیت شاغل مرد	Baud et al., 2008
۱۱	درصد جمعیت شاغل زن	Moser et al., 1996
۱۲	درصد کل جمعیت شاغل	Baud et al., 2008
۱۳	درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار مرد	Baharoglu, Kessides, 2002
۱۴	درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار زن	Baharoglu, Kessides, 2002
۱۵	درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار کل	Baharoglu, Kessides, 2002
۱۶	درصد جمعیت خانه‌دار مرد	Baud et al., 2008
۱۷	درصد جمعیت خانه‌دار زن	Baud et al., 2008
۱۸	درصد جمعیت خانه‌دار کل	Baud et al., 2008
۱۹	تعداد معلولین	زبردست، ۱۳۹۳
۲۰	تعداد خانوار دارای معلول	زبردست، ۱۳۹۳
۲۱	تعداد خانوار در واحد مسکونی	UN, 2003
۲۲	بعد خانوار	UN, 2003, Moser et al., 1996
۲۳	تعداد نفر در واحد مسکونی	Baud et al., 2008

ستون (شاخص‌ها) و ۲۶۳ سطر (حوزه‌های شهری) تشکیل داد که اطلاعات پایه مورد نیاز برای تحلیل عاملی به شمار می‌روند. شاخص‌های در نظر گرفته شده برای مطالعه فقر شهری در شهر قزوین به صورت زیر هستند: تراکم جمعیتی، درصد جمعیت کمتر از ۶ سال، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال، درصد جمعیت مرد بی سواد، درصد جمعیت زن بی سواد، درصد جمعیت بی سواد کل، درصد جمعیت افراد بی‌همسر که بر اثر فوت یا طلاق همسر خود را از دست داده‌اند، درصد واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۵۰ متر، درصد واحدهای مسکونی با مساحت ۵۰ تا ۷۵ متر، درصد جمعیت شاغل مرد، درصد جمعیت شاغل زن، درصد کل جمعیت شاغل، درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار مرد، درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار زن، درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار کل، درصد جمعیت خانه‌دار مرد، درصد جمعیت خانه‌دار زن، درصد جمعیت خانه‌دار کل، تعداد معلولین، تعداد

طلب می‌نماید. در نهایت، نام‌گذاری فاکتورهای سه‌گانه بدست آمده به صورت زیر انجام گرفت.

قابل ذکر است که به منظور قابل قیاس کردن عوامل در هر سه عامل استخراج شده فقر شهری، تکنیک "انتقال مقیاس خطی نرمال"^{۱۵} (Zebardast, 2008, 319) بکار گرفته شد تا عوامل در بازه صفر و یک قرار گیرند و قابل مقایسه شوند.

حال که اعداد مقیاس دهی شده هر حوزه از شهر در سه عامل نهایی بدست آمده در اختیار هستند، لازم است تا توزیع فضایی این امتیازها در سطح شهر بررسی گردد تا بتوان نتیجه بدست آمده را به راحتی درک، تفسیر و تعبیر نمود. بدین جهت لازم است تا جدول فاکتورها که شامل سه ستون و ۲۶۳ سطر است را به محیط نرم افزار GIS منتقل نمود تا با استفاده از قابلیت های این نرم افزار، به هدف توزیع فقر شهری در سطح شهر نایل آمد. براین اساس، نقشه فقر شهری در سه عامل یادشده در محیط نرم افزار GIS ترسیم گردیدند (نقشه ۱- a, b, c). در نهایت به منظور نمایش کلی فقر در شهر قزوین از شاخص محرومیت چندگانه^{۱۶} (IMD) استفاده شده است. محرومیت چندگانه زمانی که مردم تحت تاثیر محرومیت های گوناگون هستند، اتفاق می افتد.

همانگونه که نقشه ۱- d نشان می دهد، فقر شهری در نیمه جنوب و جنوب غربی شهر که رنگ ها غلظت بیشتری پیدا می کنند، شدت بیشتری دارد. به بیان دیگر فقر شهری بر اساس شاخص های منتخب از میان داده های سرشماری سال ۱۳۸۵ که با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی خلاصه و طبقه بندی شدند، در حد حوزه های شهری در شهر قزوین توزیعی همانند آنچه در نقشه ۱- d نشان داده شده، دارد.

۳-۲- بررسی قابلیت دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین
با وجود اینکه در این مطالعه به سنجش وضعیت دسترسی به خدمات شهری از طریق رجوع به ادبیات مرتبط و ارقام و فواصل حداقل پوشش خدماتی هر یک از کاربری های خدماتی، از طریق روش های رایج پرداخته شده است، به منظور تدقیق نتایج بدست آمده، در مرحله بعد، اقدام به سنجش میزان دسترسی ذهنی به

خانوار دارای معلول، تعداد خانوار در واحد مسکونی، بعد خانوار، تعداد نفر در واحد مسکونی.

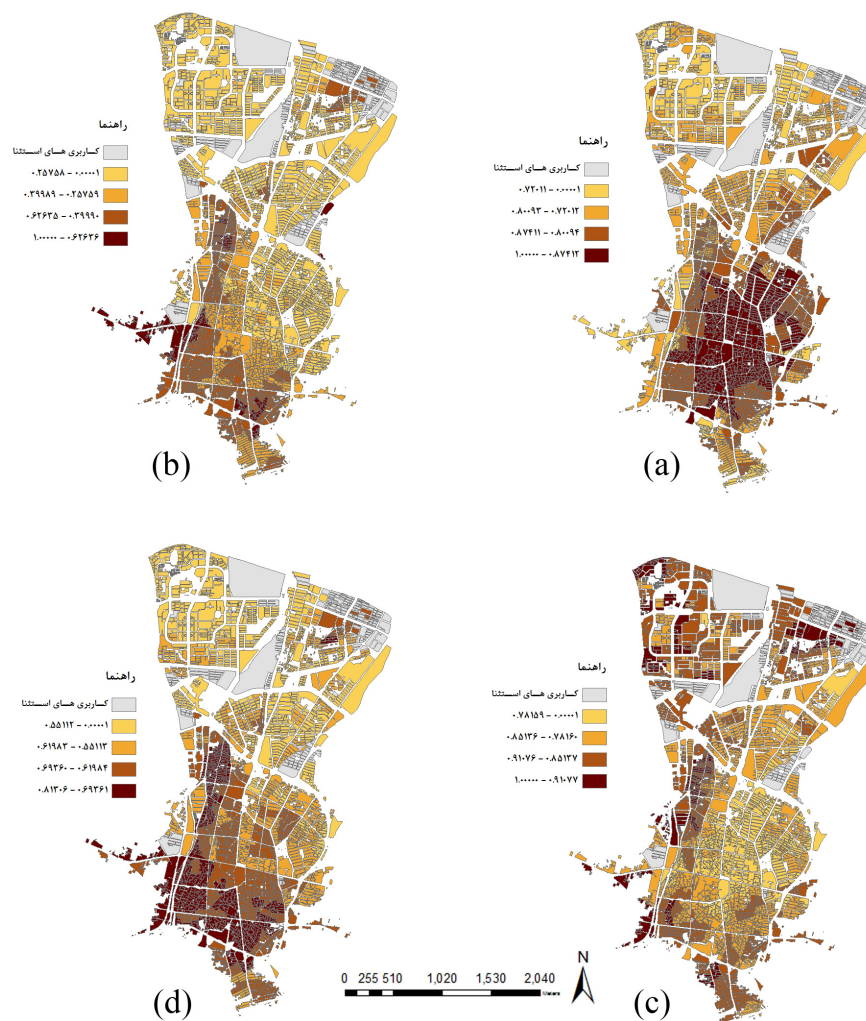
به منظور کاهش تعداد شاخص ها به چند عامل که توصیف کننده شاخص های مذکور بوده و تحلیل ها را ساده تر نمایند، از تحلیل عاملی در محیط نرم افزار SPSS استفاده گردید. در واقع این تکنیک کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته را به تعداد کمتری از عوامل، امکان پذیر می نماید (زبردست، ۱۳۸۷، ۱۴). در این مطالعه در بخش اول تحلیل عاملی تاییدی صورت گرفت. سپس به منظور دستیابی به نتایج بهتر، تحلیل عاملی اکتشافی نیز انجام شد.

در اینجا به منظور دستیابی به بهترین خروجی از تحلیل عاملی، نرم افزار مذکور چندین بار اجرا گردید. بدین صورت که تحلیل دو، سه، چهار و پنج عاملی هر کدام با تغییر و بعضاً حذف برخی شاخص های منتخب امتحان شدند. برای سنجش کفایت داده ها برای انجام تحلیل عاملی، ابتدا مقدار عددی KMO برابر ۰٫۶۱۱ محاسبه گردید. با توجه به مقدار KMO که بیش از ۰٫۶۰ است و همچنین نتیجه آزمون بارتلت (با ۹۹ درصد اطمینان)، انجام تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد. پس از انجام تحلیل عاملی با چندین عامل استخراج شده، سرانجام تحلیل سه عاملی پس از انجام دوران، با متغیرهای "درصد جمعیت کمتر از ۶ سال، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال، درصد جمعیت مرد بی سواد، درصد جمعیت افراد بی همسر که بر اثر فوت یا طلاق همسر خود را از دست داده اند، درصد واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۵۰ متر مربع، درصد کل جمعیت شاغل، درصد جمعیت دارای درآمد بدون کار مرد، درصد جمعیت خانه دار زن، تعداد خانوار دارای معلول، تعداد خانوار در واحد مسکونی، بعد خانوار، تعداد نفر در واحد مسکونی" به عنوان بهترین نتیجه از تحلیل عاملی انتخاب گردید.

آخرین مرحله از فرایند تحلیل عاملی، نامگذاری عوامل مستخرج است. این بخش از دشوارترین مراحل کار تحلیل عاملی است چرا که تا حدی سلیقه ای و ذهنی است و چارچوب خاصی ندارد. بلکه تجربه، آشنایی با ادبیات و تسلط بر موضوع را

جدول ۳- نامگذاری عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی به همراه بار عاملی هر شاخص.

۰٫۷۹	درصد جمعیت بالای ۶۵ سال	جمعیت وابسته Dependent Population
۰٫۷۵	درصد جمعیت افراد بی همسر	
-۰٫۸۹	بعد خانوار	
-۰٫۸۴	نفر در واحد مسکونی	
۰٫۶۵	درآمد بدون کار (مرد)	
۰٫۶۷	درصد واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۵۰ متر مربع	محرومیت اجتماعی و مسکن Housing and Social Deprivation
۰٫۷۰	خانوار در واحد مسکونی	
۰٫۶۷	تعداد خانوار دارای معلول	
۰٫۸۳	درصد جمعیت مرد بی سواد	
۰٫۵۲	درصد جمعیت کمتر از ۶ سال	
-۰٫۸۵	درصد کل جمعیت شاغل	محرومیت درآمدی Income Deprivation
۰٫۵۸	درصد جمعیت خانه دار زن	



نقشه ۱- (a) پهنه‌بندی فقر در شهر قزوین در مقیاس حوزه بر اساس امتیازهای بدست آمده از تحلیل عاملی در فاکتور "جمعیت وابسته" (b) پهنه‌بندی فقر در شهر قزوین در مقیاس حوزه، بر اساس امتیاز بدست آمده از تحلیل عاملی در فاکتور "محرومیت اجتماعی و مسکن" (c) پهنه‌بندی فقر در شهر قزوین در مقیاس حوزه بر اساس امتیازهای بدست آمده از تحلیل عاملی در فاکتور "محرومیت درآمدی" (d) توزیع فقر در شهر قزوین در مقیاس حوزه، بر اساس شاخص محرومیت چندگانه IMD

بارجوع به ادبیات مرتبط و استخراج فاصله بهینه برای دسترسی به خدمات شهری، و از طرف دیگر مشخص ساختن خدمات مذکور در سطح شهر، می‌توان اقدام به ترسیم محدوده‌های دارای دسترسی فیزیکی به خدمات عمومی به تفکیک، در محیط نرم افزار GIS دست یافت. در واقع با داشتن شعاع عملکرد کاربری (مثلاً دبستان ۴۰۰ متر)، محدوده‌ای دایره‌ای شکل از مساحتی را که کاربری (دبستان) سرویس می‌دهد، بدست می‌آید.

در مجموع بررسی نتایج به دست آمده از وضعیت دسترسی به خدمات شهری با معیار فاصله بهینه نشان می‌دهد که بیشتر بخش‌هایی که در نقشه تولید شده توسط شاخص IMD به عنوان نواحی محروم و نسبتاً محروم مشخص شده‌اند، از دسترسی فیزیکی نامناسبی در خدمات ورزشی، فضای سبز و دسترسی نسبتاً مناسب‌تر در خدمات آموزشی (راهنمایی و دبیرستان)، مذهبی برخوردار است. اما خدمات فرهنگی-اجتماعی و آموزشی (مهدکودک) در بسیاری از حوزه‌های شهر از دسترسی مطلوبی برخوردار نیستند.

خدمات شهری در بخش‌های فقیر و نسبتاً فقیر در شهر، از طریق آرایه پرسشنامه به ساکنین آنها گردیده است. تا بتوان علاوه بر بررسی صحت نتایج بدست آمده، به تدقیق نتایج مذکور پرداخت. بدین منظور ابتدا روش عینی و سپس روش ذهنی بکارگرفته شده است که در ادامه می‌آید.

۳-۲-۱- روش عینی^{۱۷} (استفاده از روش قابلیت دسترسی به خدمات)

با در اختیار داشتن پهنه‌بندی فقر در شهر قزوین، بررسی چگونگی دسترسی به خدمات شهری توسط ساکنین، مدنظر قرار دارد. پس شناسایی خدمات شهری، روش حداقل فاصله برای اندازه‌گیری دسترسی به دلیل آنکه در مقایسه با روش‌های دیگر ساده‌تر و قابل فهم‌تر است و به راحتی می‌تواند در محیط GIS استفاده شود، بکارگرفته شده است. روش غالب تحرک قدم زدن و معیار فاصله در این تحقیق فاصله اقلیدسی یا خط مستقیم در نظر گرفته شده است.

سپس برای تعیین تعداد نمونه در هر ناحیه (فقیر یا نسبتاً فقیر) از رابطه زیر استفاده شد و در هر ناحیه به ترتیب تعداد ۱۱۵ نمونه ۱۲۵ (در مجموع ۲۴۰ نمونه) تعیین و به صورت تصادفی سیستماتیک، انتخاب گردیدند:

$$n_h = \frac{N h \delta h}{\sum N h \delta h} \cdot n$$

پس از توزیع پرسشنامه‌های طراحی شده در حوزه‌های جمعیتی مورد نظر و استخراج نتایج، جهت تعیین عوامل تعیین‌کننده دسترسی به خدمات شهری از روش تحلیل عاملی در هریک از سطوح منتخب محله، برزن، ناحیه و منطقه استفاده شده است. بدین مفهوم که روش تحلیل عاملی چهار مرتبه و برای هر سطح بکار گرفته شده است.

نتایج این تحلیل به استخراج عواملی در هر سطح منجر می‌گردد که در واقع نشان‌دهنده و تعریف‌کننده دسترسی به خدمات در آن سطح خاص می‌باشند. به عنوان نمونه تحلیل عاملی انجام شده در سطح محله به استخراج دو عامل خدمات در سطح محله و خدمات پایه مسکن منجر گردیده است که در واقع این دو عامل بیانگر کلیه شاخص‌های بکاررفته در تحلیل خواهند بود.

عامل‌های بدست آمده در هریک از سطوح چهارگانه خدماتی در جدول ۴ آورده شده‌اند. سپس به منظور درک آسان‌تر نتایج، توزیع نمرات استخراج‌شده برای هر عامل، در سطح حوزه‌های نمونه‌گیری شده در شهر، ترسیم شده‌اند (نقشه ۳).

۴- سنجش رابطه میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین

در انتها از روش تحلیلی رگرسیون خطی به منظور سنجش وجود و یا عدم وجود رابطه میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری استفاده شده است. بدین ترتیب که وابستگی میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری، پس از تعیین میزان همبستگی عوامل، با انجام رگرسیون خطی جداگانه در عوامل سه گانه استخراج شده فقر، شاخص فقر کلی (IMD) و عوامل پنج‌گانه استخراج‌شده از تحلیل عاملی دسترسی به خدمات شهری، مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحلیل رگرسیونی انجام شده در جدول ۵ نشان داده شده است. براساس تحلیل صورت گرفته، وجود رابطه میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین قابل تایید است. گرچه فقر شهری بر اساس تحلیل همبستگی انجام شده تنها با خدمات در سطح برزن و خدمات پایه مسکن مرتبط است، اما از آنجا که خدمات سطح برزن در سطحی فراتر از خدمات محله و پایین‌تر از خدمات ناحیه و منطقه هستند، سطحی گویا از تدارک خدمات را مشخص می‌سازند. به بیان دیگر، خدمات سطح ناحیه و منطقه خدماتی در سطوح بالاتر از آن هستند که بتوانند توصیف‌کننده فقر شهری در سطح حوزه‌های شهری باشند. از طرف دیگر، فقر شهری اغلب توسط دسترسی به خدمات و نیازهای پایه توضیح داده می‌شود و بنابراین خدماتی که در سطوح ناحیه و منطقه



نقشه ۲- پوشش خدمات آموزشی- دبستان در سطح شهر قزوین- نمونه‌ای از استفاده از روش عینی در سنجش میزان دسترسی به خدمات.

جدول ۴- عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی.

عوامل استخراج شده		سطح ارایه خدمات
خدمات پایه مسکن	خدمات سطح محله	محله
خدمات حمل و نقل عمومی	خدمات سطح برزن	برزن
خدمات اداری	خدمات سطح ناحیه	ناحیه
	خدمات سطح منطقه	منطقه

۳-۲-۲- روش ذهنی^{۱۸} (استفاده از پرسشنامه جهت سنجش میزان دسترسی به خدمات شهری)

با وجود اینکه در این مطالعه به سنجش وضعیت دسترسی به خدمات شهری از طریق رجوع به ادبیات مرتبط و ارقام و فواصل حداقل پوشش خدماتی هر یک از کاربری‌های خدماتی، از طریق روش‌های رایج پرداخته شد، به منظور تدقیق نتایج بدست آمده، اقدام به سنجش میزان دسترسی ذهنی به خدمات شهری در بخش‌های فقیر و نسبتاً فقیر در شهر، از طریق آرایه پرسشنامه به ساکنین آنها گردیده است. تا بتوان علاوه بر بررسی صحت نتایج بدست آمده، به تدقیق نتایج مذکور پرداخت.

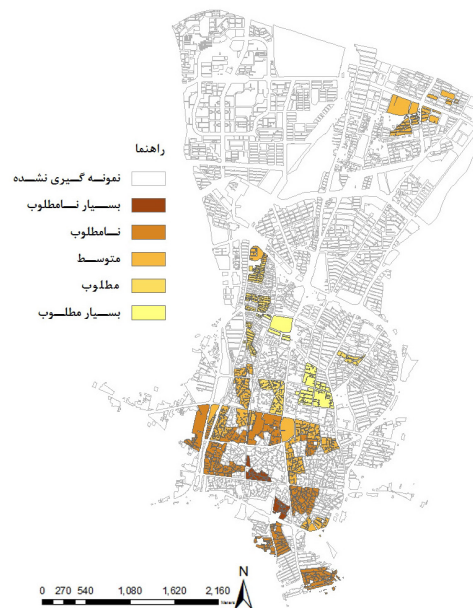
این پرسشنامه در دو ناحیه فقیر و نسبتاً فقیر؛ بدست آمده از نقشه محرومیت چندگانه در سطح شهر، توزیع گردیده است. این دو ناحیه به ترتیب شامل ۵۷ و ۶۰ حوزه شهری است. جهت تعیین تعداد نمونه مورد نیاز ابتدا از روش نیمین^{۱۹} برای تعیین حوزه‌ها استفاده گردید که تعداد حوزه نمونه برای ناحیه اول (فقیر) ۲۳ و برای ناحیه دوم (نسبتاً فقیر) ۲۵ بدست آمده است (زبردست، ۱۳۸۷، ۱۱):

$$n = \frac{(\sum N h \delta h)^2}{N^2 d^2 + \sum N h \delta h^2}$$

استفاده می‌شوند، کمتر در توضیح فقر شهری نقش دارند. به همین ترتیب خدمات محله در سطحی قرار دارند که در بیشتر نواحی چه فقیر و چه برخوردار قابل دستیابی در شهرهای کشور ما هستند. به عنوان مثال دسترسی به دبستان در کمتر محله شهری معضلی اساسی محسوب می‌گردد. در واقع این سطح برزن است که بهترین نشانگر خدمات مورد نیاز افراد بوده و عدم کفایت و یا کفایت آنها بهترین نمایانگر است. بنابراین به نظر می‌رسد که نتایج بدست آمده با تجربیات قبلی در مورد شهرهای کشور نیز تطابق دارند.

جدول ۵- وابستگی میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	توضیحات
فقر شهری کلی (IMD)	خدمات پایه مسکن	عامل دوم استخراج شده از تحلیل عاملی در سطح محله
جمعیت وابسته	خدمات پایه مسکن	عامل دوم استخراج شده از تحلیل عاملی در سطح محله
محرومیت درآمدی	خدمات پایه مسکن	عامل دوم استخراج شده از تحلیل عاملی در سطح محله
محرومیت اجتماعی و مسکن	خدمات در سطح برزن	عامل اول استخراج شده از تحلیل عاملی در سطح برزن



نقشه ۳- پهنه‌بندی دسترسی به خدمات شهری در سطح محله براساس عامل خدمات محلی- نمونه‌ای از استفاده از پرسشنامه جهت سنجش میزان دسترسی به خدمات شهری (پس از انجام تحلیل عاملی).

نتیجه

حاشیه‌نشین داخل شهر و بافت‌های فرسوده محدودتر است و ساکنین به مشکلات بیشتری در برآورده ساختن نیازهای خدماتی خود اشاره کرده‌اند. نقشه‌های ترسیم شده در بررسی‌های عینی نیز این امر را تایید کرده‌اند.

در انتها به منظور بررسی وجود یا عدم وجود رابطه معنادار میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین، از روش تحلیلی رگرسیون خطی استفاده گردید. در واقع پس از تعیین میزان همبستگی عوامل، با انجام رگرسیون خطی جداگانه در عوامل سه-گانه استخراج شده فقر، شاخص فقر کلی (IMD) و عوامل پنجگانه استخراج شده از تحلیل عاملی دسترسی به خدمات شهری، این رابطه مورد سنجش قرار گرفته است. براساس تحلیل صورت گرفته، فقر شهری با خدمات در سطح برزن و خدمات پایه مسکن در شهر قزوین مرتبط بوده و رابطه معناداری میان این دو وجود دارد.

بنابراین یافته‌های این مطالعه بر شناخت نواحی فقیر شهر و اهمیت ترسیم نقشه‌های فقر و از طرف دیگر چگونگی دسترسی به خدمات در سطح شهرداری برنامه‌ریزی شهری تاکید داشته و با نشان دادن وجود ارتباط میان فقر شهری و دسترسی به خدمات شهری، برتامین خدمات شهری و دسترسی به آن توسط ساکنین (بیشتر در سطوح محلی و برزن) و توزیع متعادل و یکنواخت خدمات شهری در سطح شهر به منظور کاهش نسبی فقر شهری تاکید می‌نماید.

در این مقاله با انجام تحلیل‌ها و محاسبات صورت گرفته، فقر شهری و توزیع آن در شهر قزوین بر حسب عوامل مشخص‌کننده آن و همچنین فقر شهری عمومی یا (IMD) براساس شاخص‌های منتخب و با بکارگیری تکنیک تحلیل عاملی محاسبه و ترسیم گردید. از طرف دیگر، خدمات شهری در شهر قزوین و دسترسی به آنها نیز مورد ارزیابی قرار گرفت و عوامل تعیین‌کننده دسترسی به خدمات شهری در سطوح مختلف محله، برزن، ناحیه و منطقه از تحلیل‌های عاملی صورت گرفته بر روی پرسشنامه‌های توزیع شده در هر یک از سطوح، استخراج شدند.

بررسی فقر شهری و ترسیم چگونگی توزیع آن در سطح شهر قزوین به خوبی نشان‌دهنده تمرکز فقر در بخش‌های جنوب و جنوب غربی شهر است. حتی در نقشه‌هایی که به تفکیک عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی نیز ترسیم شده‌اند، توزیع فقر شهری در سطح شهر یکنواخت نبوده است. قابل ذکر است که با مقایسه نقشه بافت فرسوده، مسکن نیازمند نوسازی و ... در سطح شهر، توزیع فقر شهری به طور تقریبی براین نقشه‌ها هماهنگ است.

تحلیل‌های صورت گرفته در زمینه دسترسی به خدمات شهری که خود شامل دو بخش بررسی‌های عینی و ذهنی بودند، به خوبی عدم یکنواختی در توزیع خدمات عمومی در شهر قزوین را نشان داده‌اند. به طور کلی این دسترسی در بافت‌های

پی‌نوشت‌ها

3 Disempowerment.

4 Penchansky and Thomas.

1 Multidimensional Poverty Index (MPI).

2 Gross Domestic Product.

Urban Studies, Vol. 45, No. 7, pp. 1385–1412.

Bedi, Tara; Aline Coudouel & Kenneth Simler (2007), *More than a pretty picture*, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, Washington, DC.

Coudouel, Aline; Jesko S. Hentschel & Quentin T. Wodon (2002), *Poverty Measurement and Analysis*, Chapter 1, Annex A – Technical Notes, *Core Techniques and Cross-Cutting Issues*, Vol. 1, pp. 405–427.

De la Espriella, Carlos (2009), A Technique for Small-area Poverty Analyses, *Urban Studies*, Vol. 46, No. 23, pp. 2410–2413.

Davis, Benjamin (2003), *Choosing a method for poverty mapping*, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome.

Henninger, Norbert & Mathilde, Snel (2002), *Where are the poor? Experiences with the Development and Use of Poverty Maps*, World Resources Institute, Washington, DC.

Hentschel, Jesko; Jean Olson Lanjouw; Peter Lanjouw, & Javier Poggi (1998), Combining Census and Survey Data to Trace the Spatial Dimensions of Poverty: A Case Study of Ecuador, *the World Bank Economic Review*, Vol. 14, pp. 147–160.

Higgs, Gary (2005), A Literature Review of the Use of GIS-Based Measures of Access to Health Care Services, *Health Services & Outcomes Research Methodology*, Vol. 5, pp. 119–139.

Lotfi, Sedigheh & M. J. Koohsari, (2009), Analyzing Accessibility Dimension of Urban Quality of Life: Where Urban Designers Face Duality Between Subjective and Objective Reading of Place, *Social Indicators Research*, Vol. 94, pp. 417–435.

Masika, Rachel; Atjan de Haan & Sally Bbaden (1997), *Urbanization and Urban Poverty: A Gender Analysis*, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton BN1 9RE, UK.

Mercado, Susan; Kirsten Havemann; Mojgan Sami & Hiroshi Ueda (2007), Urban Poverty: An Urgent Public Health Issue, *Urban Health*, Vol. 84 (Suppl 1), pp. 7–15.

Moser, Caroline et al. (1996), *Urban Poverty Research Sourcebook: Modules I: Indicators of Urban Poverty*, World Bank Working Paper No. 5, Washington, D.C 20433 U.S.A.

Physical Planning Research Center (2009), *City Development Strategy (CDS) for Shahroud City*, Tehran, Iran.

Sen, Amartya, (1981), *Poverty and famines: an essay on entitlement and deprivation*, Clarendon Press, Oxford

Talen, E and L Anselin (1998), Assessing Spatial Equity: An Evaluation of Measures of Accessibility to Public Playgrounds, *Environment and Planning A*, Vol. 30, pp. 595–613.

Talen, E (1998), Visualizing fairness: equity maps for planners, *Journal of the American Planning Association*, Vol. 64, No. 1, pp. 22–38.

Talen, Emily (2003), Neighborhoods as service providers: a methodology for evaluating pedestrian access, *Environment and Planning B: Planning and Design*, Vol. 30, pp. 181–200.

United Nations (UN) (1995), *The World's Women: Trends and Statistics*, United Nations, New York.

Wratten, Ellen (1995), Conceptualizing urban poverty, *Environment and Urbanization*, Vol 7, No. 11, pp. 15–27.

Zebardast, Esfandiar (2008), The Housing Domain of Quality of Life and Life Satisfaction in The Spontaneous Settlements On the Tehran Metropolitan Fringe, *Social Indicators Research*, Vol. 90, 307–324.

www.worldbank.org, 2011

5 Aday and Andersen.

6 Container.

7 Coverage.

8 Euclidian Distance.

9 Manhattan Distance.

10 Shortest Network Paths.

11 Unmet Basic Needs.

12 Livelihoods Assets Framework.

13 Index of Multiple Deprivation (IMD).

14 Millennium Development Goals.

15 Scaled Factor Score = $(F_s i - F_s \text{Min}) / (F_s \text{Max} - F_s \text{Min})$.

۱۶. $IMD = \frac{\sum \lambda_i F_{Si}}{\sum \lambda_i}$. Index of Multiple Deprivation. $IMD = \frac{\lambda_1 F_{S1} + \lambda_2 F_{S2} + \lambda_3 F_{S3}}{(\lambda_1 + \lambda_2 + \lambda_3)}$ عامل i توضیح می‌دهد که این مقادیر از جدول تغییراتی که عوامل استخراج شده نشان می‌دهند (Total Variance Explained) در نتایج تحلیل عاملی استخراج می‌شود و FS نیز امتیازات عوامل هستند.

17 Objective Method.

18 Subjective Method.

19 Neyman Allocation Method.

فهرست منابع

آمارتیا سن (۱۳۸۲)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه: دکتر وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (۱۳۸۶)، برنامه توسعه راهبردی قزوین، شهرداری قزوین، قزوین.

زبردست، اسفندیار (۱۳۸۷)، جزوه درسی آمار و روش‌های کمی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

زبردست، اسفندیار (۱۳۹۳)، کاربرد مدل F^1ANP در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۹ (۲)، ۳۸–۲۳.

شارستان، مهندسین مشاور (۱۳۸۸)، راهبرد توسعه شهر قزوین، اداره کل مسکن و شهرسازی استان قزوین، قزوین.

شارمند، مهندسین مشاور (۱۳۷۰)، طرح تفصیلی شهر قزوین، اداره کل مسکن و شهرسازی استان قزوین، قزوین.

شهر و برنامه، مهندسین مشاور (۱۳۸۶)، طرح توسعه و عمران شهر قزوین و حوزه نفوذ، اداره کل مسکن و شهرسازی استان قزوین، قزوین.

طرح محیط پایدار، مهندسین مشاور (۱۳۸۷)، طرح توانمندسازی سکونتگاه‌های فرودست و حاشیه‌نشین، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

طرح محیط پایدار، مهندسین مشاور (۱۳۸۴)، طرح راهبردی، تفصیلی ویژه و طراحی شهری بافت فرسوده (مسأله دار) شهر قزوین، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ شهر قزوین، اطلاعات در مقیاس بلوک شهری، مرکز آمار ایران، تهران.

Apparicio, Philippe & Anne-Marie Seguin (2006), Measuring the Accessibility of Services and Facilities for Residents of Public Housing in Montreal, *Urban Studies*, Vol. 43, No. 1, pp. 187–211.

Baharoglu and Kessides (2002), Urban Poverty, A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter 16, *Macroeconomic and Sectoral Approaches*, Vol. 2, pp. 123–159.

Baker, Judy & Nina Schuler (2004), Analyzing Urban Poverty; A Summary of Methods and Approaches”, *World Bank Policy Research Working Paper*, 3399, pp. 48–56.

Baud, Isa; N. Sridharan & Karin Pfeffer (2008), Mapping Urban Poverty for Local Governance in an Indian Mega-City: The Case of Delhi,